

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تونی کاتالوچی - Tony Cartalucci

مرکز مطالعات جهانی سازی ۱ جون ۲۰۱۲

برگردان از: حمید محوی

۱۴ جون ۲۰۱۲

تبلیغات جنگی ناتو:

دولت سوریه به اعمال خشونت آمیز توسط اسکادران مرگ متهم شده است

ضربه ای که به حوله در سوریه وارد شد نشان می دهد:

«ترفندهای قدیمی بهترین است»



به اساس گزارشاتی که از حوله در سوریه، نزدیک حمص و مرز لبنان، به دست ما رسیده است، بیش از پیش آشکار می گردد که خلاف آن چه که با صدای بلند رسانه های غربی و خود ناتو اعلام کرده اند، دولت سوریه مسؤول تیراندازی با توپخانه و مرگ ۴۹ کودک و والدین آنها نیست.

ظاهر امر نشان می دهد که کار اسکادران مرگ (۱) بوده و در نبرد نزدیک دست به عملیات زده است. اعضای اسکادران مرگ توسط «فعالان» مخالف دولت به چنین اعمالی متهم شده اند. فعالان مخالف دولت آنها را «مزدوران و هواداران رژیم اسد»، یا شبیه نظامیان معرفی کرده و علاوه بر این می گویند که آنها را دولت سوریه از بین تروریست های القاعده که با جاسوسان خارجی مرتبط می باشند، برگزیده است.

وقتی که اجساد را می آوردند، نمایندگان دولت امریکا، بریتانیا و فرانسه خودشان را برای متهم و محکوم کردن آماده کرده بودند، و با فراخواندن به تشکیل جلسه در شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواستار تحریم بیشتر علیه

دولت سوریه شدند. آنها در عین حال در چهار چوب پشتیبانی از «دوستان سوریه» خواستار ارسال اسلحه و کمک به مبارزان شدند. برای غرب فوریت خاصی داشت که برای پیشبرد طرح قدیمی اش یعنی سرنگون ساختن رژیم بشار الاسد از فرصت پیش آمده بهره برداری کند.

طی همین مدت، ناتو یک خانواده ۸ نفره، با ۶ کودک را در افغانستان به قتل می رساند(مترجم: در بمباران هوایی). در نتیجه، اگر بگوئیم که کمک های بشردوستانه و عدالت است که منافع خارجی را هدایت می کند، پس افغانستان می بایستی در همان سطحی قرار گیرد که حوله. ولی متأسفانه چنین نیست.



درباره تصویر:

پیش و پس روزنامه نگار فریبکار - یا روزنامه نگار بی احتیاط - بی بی سی.

(روی تصویر کلیک کنید - البته خوانندگان فرمات و ورد نمی توانند چنین کاری را انجام دهند،

به همین علت من آدرس سایت را در بخش پی نوشت می نویسم (۲) - توجه داشته باشید

که تصویر سمت چپ «بازرسی نشده» است، و مانند اغلب گزارشات رسانه های غربی

درباره سوریه و از جمله این عکس توسط «فعالان» گزارش شده است

که به عنوان قتل عام معرفی شده است

(برای مشاهده چگونگی گزارشات به آدرس زیر مراجعه کنید ۳ و ۴).

برای دیدن عکس های اصلی و توضیحات آن به سایت «سید والکر» مراجعه کنید(۵).

بی بی سی برای جلب افکار عمومی و فاجعه بار تر جلوه دادن واقعه، با عجله عکسی را منتشر می کند که مرتبط به کشتار در عراق بوده و متعلق به چند سال پیش از این است. بی بی سی در این مورد مثل تمام موارد دیگر توضیح می دهد که «مدارک» از طریق «فعالان ضد دولتی» ارسال شده است. چنین توضیحاتی نشان می دهد که از یک سال پیش منبع خبری آنها تا این اندازه قابل تردید بوده است.

به روشنی می دانیم که به طور کلی، پس از هر جنایتی که در کشورهای غربی روی می دهد، پلیس قادر نیست صحنه جنایت را به این سرعت کشف و بازسازی کرده و نتیجه گیری کند، مگر این که در تباری با خودش انجام گرفته باشد و از پیش در جریان جزئیات قتل بوده باشد.

موضوع کاملاً روشن است که آن چه در حوله به وقوع پیوست، واقعیت امر هر چه باشد، فوراً به عنوان اهرم برای پیشبرد اهداف پنهانی غربی‌ها به کار بسته شد که سیمور هرش در مقاله‌ای (۶) که به سال ۲۰۰۷ در «نیویورکر» منتشر شد، پرده از تبانی «امریکا - اسرائیل - عربستان سعودی» برمی‌دارد و توضیح می‌دهد که هدفشان مسلح کردن افراط‌گرایان خشن و فئاتیک است و آنها را علیه سوریه بسیج خواهند کرد. در واقع، در این مقاله از خشونت‌های اجتناب‌ناپذیری اظهار نگرانی می‌شود که امروز در حوله شاهد آن هستیم.

اگر چه برخی به سختی باور می‌کنند که غرب بتواند چنین اعمال خشونت‌آمیزی را در حوله تشویق و سازماندهی کرده باشد، پرسش حقیقی که باید مطرح کنیم این است که: «آیا سابقه تاریخی وجود دارد که بتواند پاسخ روشنی به این پرسش بدهد، و اگر آری، کدام است و چرا؟ البته که سابقه تاریخی وجود دارد.



درباره تصویر:

تابستان ۱۹۳۹، پس از سازماندهی حوادث مرزی برای متهم ساختن لهستان به خشونت یک جانبه، هیتلر به ارتش نازی فرمان حمله به این کشور را صادر کرد. برای نخستین و آخرین بار نبود که کشوری غربی برای حمله تجاوز کارانه و اعلام جنگ به کشور دیگری، بهانه مصنوعی تراشید و به اجراء گذاشت.

[حتی اگر] چنین موضوعی در دادگاه نورنبرگ به عنوان جنایت علیه صلح بازشناسی شده باشد.

باید تابستان ۱۹۳۹ را به یادآوریم، یعنی زمانی که نازی‌ها به هر قیمتی سعی می‌کردند خودشان را به عنوان قربانی جلوه دهند تا تجاوز نظامی‌شان را توجیه کنند. با چنین طرحی بود که حوادثی را به شکل مصنوعی در مرز به وجود آوردند و سپس همسایه لهستانی خودشان را متهم کردند که باعث و بانی آن بوده است. ترفند به این شکل صورت گرفت که تعدادی از سربازان آلمانی به ایستگاه رادیوی آلمان حمله کردند، و بعد از این حادثه ارتش نازی به لهستان حمله کرد.

وجه مضحک این ماجرا، چنین است که این موزه یادبود هولوکاست در ایالات متحده است که این وقایع را حکایت می‌کند، ولی به همراه یک درس واقعی درباره چگونگی «فریب دادن مردم» :

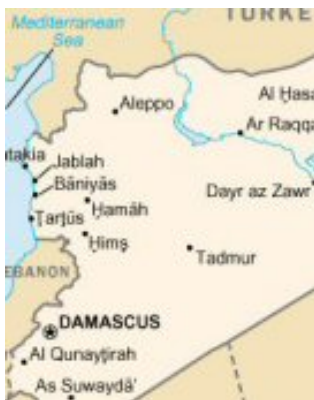
در تمام طول و عرض جنگ دوم جهانی، تبلیغاتچی‌های نازی کارشان تبدیل تجاوزات نظامی بود که در اصل به هدف فتح سرزمین‌های تازه انجام می‌گرفت، به واکنش عادلانه و ضروری و به نام حق دفاع از خود. آنها المان را به عنوان قربانی عینی یا بالقوه نیروی متجاوز بیگانه تشریح می‌کردند، به عنوان ملتی که به صلح پایبند است، ولی به ناچار مجبور است برای حراست از مردم و دفاع از تمدن و مقابله علیه کمونیست‌ها اسلحه به دست گیرد. اهداف جنگی اعلام شده عملاً در هر مرحله از منازعات به شکل سازمان یافته اهداف واقعی را استتار می‌کرد، یعنی کشورگشایی و جنگ نژادی.

طی تابستان ۱۹۳۹، در حالی که هیتلر و معاونانش در حال تکمیل طرح تهاجم به لهستان بودند، مردم المان طعمه تنش و وحشت بودند. المانی‌ها با توسعه مرزهایشان که از این پس اتریش و چکوسلاواکی را نیز در بر می‌گرفت، و آن هم بی آن که یک گلوله شلیک کرده باشند، خیلی تشویق شده بودند. ولی با این وجود در خیابان‌ها تظاهرات به پا نمی‌کردند و مثل نسل پیشین در سال ۱۹۱۴ فریاد جنگ طلبانه شنیده نمی‌شد.

پیش از آن که در اول سپتامبر ۱۹۳۹ المان به لهستان حمله کند، رژیم نازی اردوی تبلیغاتی بسیار خشونت آمیزی را راه اندازی کرد که پشتیبانی مردم را برای جنگی که به ندرت می‌توانست طرفدار داشته باشد، تضمین کند. برای این که حمله بتواند از دیدگاه اخلاقی در اذهان عمومی قابل قبول باشد، و به عنوان واکنشی دفاعی تلقی گردد، نشریات المانی دائماً از «اعمال خشونت توسط لهستانی‌ها»، و مواردی از خشونت جسمی یا تبعیض آمیز واقعی یا تخیلی علیه المانی‌هایی که مقیم لهستان بودند، منتشر می‌کردند. نشریات از روحیه «جنگ طلبانه» و «شوینیسم» لهستانی‌ها اظهار تأسف می‌کردند. نشریات در عین حال به بریتانیایی‌ها نیز حمله کردند. نشریات بریتانیایی‌ها را به خاطر تشویق جنگ سرزنش می‌کردند که به لهستانی‌ها اطمینان داده اند که در صورت جنگ علیه المان، از آنها دفاع خواهند کرد.

رژیم نازی حتی در مرز برخوردی را سازماندهی کرد تا در اذهان عمومی نشان دهد که گوئی لهستان به المان حمله کرده است.

۳۱ اگست ۱۹۳۹، سربازان اس اس با لباس لهستانی به ایستگاه رادیوی المانی در گلیویتز حمله کردند. فردای حمله دروغین، هیتلر به ملت المان و به تمام جهان تصمیمش را برای گسیل ارتش به لهستان در پاسخ به تجاوز این کشور علیه رایش، اعلام کرد. بخش خدمات تبلیغاتی رایش از رسانه‌ها خواسته بودند که



از اصطلاح «جنگ جهانی» اجتناب کنند. نشریات تنها می‌بایستی بگویند که قطعات المانی تنها حملات لهستانی‌ها را دفع کرده اند، یعنی تاکتیکی که می‌بایستی بر اساس آن المان را به عنوان قربانی خشونت معرفی کند. مسؤلیت اعلام جنگ به عهده بریتانیایی‌ها و فرانسوی گذاشته شده بود.

پس از تلفات بسیار در جنگ دوم جهانی، ما که در غرب سوگند یاد کرده بودیم که چنین حرکات خشونت آمیزی هرگز تکرار نگردد و پذیرفته نشود، ولی به قدرت‌های وال استریت و لندن و تمام جریان‌هایی که در مدار اطراف آنها می‌گردد، اجازه دادیم که نقشه‌های نظامی‌شان را یکی پس از دیگری به پیش ببرند،

افغانستان، عراق، لیبیا، یمن، سومالی و اکنون سوریه. ما در مرز جنگ با ایران هستیم، و دقیقاً به همان شکلی که

المان نازی عمل کرده بود. آنهایی که ما را به سوی جنگ هائی هدایت می کنند، مشخصا مخلوطی از تهدید، وحشت، قول و قرار و بهانه های غیر قابل دفاع، برای آن که دوباره درمرزهای ملتی مستقل جنگ به پا کنیم و قوانین و نظام اداری خودمان را که «متعالی تر» می دانیم به مردم این کشورها تحمیل کنیم.



از سال های ۱۹۹۰، به گفته ژنرال ایالات متحده وسلی کلارک، غرب در پی تسخیر تمام خاورمیانه است، و چنین طرحی را نیز با روی کار آوردن رژیم های «همکار» به اجراء می گذارد.

از سال ۲۰۰۲، غرب در پی سرنگون ساختن دولت سوریه است. و به شکل آشکار، از سال ۲۰۰۷، غرب علیه سوریه توطئه چینی می کند. خیلی سال ها پیش از آن که اصطلاح «بهار عرب» در رسانه های غربی رایج گردد، خشونت که در حال حاضر در سوریه بیداد می کند، برنامه ریزی شده بود و از همان سال ها پیش، مبارزان اسلحه و تأمین مالی دریافت کرده بودند و سازمان دهی آنها تکوین یافته بود.

خواست غرب برای مداخله در سوریه، امروز، به هیچ عنوان نجات مردم سوریه از خشونت نیست که خود غرب به آن دامن زده است، بلکه استفاده از چنین خشونت برای توسعه قدرت خود می باشد، دقیقا به همان شکلی که هیتلر عمل کرد، در فراسوی فتوحات نظامی.

اگر سازمان ملل متحد مرتکب اشتباه دراماتیکی شود و به نیروهای فاشیست جهانی، که به شکل غیر ماهرانه ای نقاب «مدافع تمدن» را به چهره زده، اجازه دهد که سوریه را به جنگ آورد، و در همان سبیدی نیفتد که المان ها در ۱۹۳۹ افتادند، تصور نکنید که توجیه شده است. شهر حوله مانند گلیویتز بهانه غیر قابل دفاع است، و نه اجبار اخلاقی. المان سرانجام برای تجاوزات دائمی خود علیه بشریت بهای گزافی را پرداخت با میلیون ها کشته، دهها سال فرصت از دست رفته، تقسیم کشور و اشغال آن پس از شکست و اجبار در تحمل سنگینی تاریخ. امروز چه پاداشی می توانیم از ناآگاهی و بی اعتنائی انتظار داشته باشیم؟

پی نوشت :

(۱)

<http://www.smh.com.au/world/horror-comes-to-houla-dozens-of-children-dead-as-syrian-forces-lay-siege-on-neighbourhood-20120527-1zcjy.html>

(۲)

http://www.reopen911.info/News/wp-content/uploads/2012/06/BBCcaughtLyingAGAINsyria_large.jpg

(۳)

<http://landdestroyer.blogspot.fr/2012/03/syria-game-over-for-western-propaganda.html>

(۴)

<http://landdestroyer.blogspot.fr/2012/05/syrias-fsa-are-demonstrative-terrorists.html>

(۵)

<http://sydwalker.info/blog/2012/05/27/houla-horror-truth-is-elusive-lies-are-easier-to-spot/>

(۶)

http://www.newyorker.com/reporting/2007/03/05/070305fa_fact_hersh?currentPage=all

گاهنامه هنر و مبارزه

۹ ژوئن ۲۰۱۲

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com>

مأخذ :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=31195>